

به نام خدا جان

## آرامگاه پیام‌آوران

### در ایران زمین

(بخش ۱)

(نشریه ویسپوبیش - سال یکم - شماره سوم)

### آرمان آرین

شاید بتوان گفت بیشترین آرامگاه پیام‌آوران ادیان، متناسب با محلّ ظهور یا سفرهای‌شان، به ترتیب در شام (اسرائیل، فلسطین، سوریه، اردن، لبنان و حتی ترکیه)، ایران بزرگ (شامل بین‌النهرین/عراق، افغانستان، تاجیکستان/ ماوراءالنهر/ فرارودان، سند، ارمنستان، آذربایجان و...)، هندوستان کهن و متعلقاتش، شبه جزیره عربستان (شامل بادیه، حجاز، یمن و...) و چین کهن و متعلقاتش یافت می‌شود.

بنابراین سرزمین ایران، یکی از مهم‌ترین مناطق در سیّاره زمین است که گروهی بزرگ از شناخته‌شده‌ترین پیام‌آوران (آشونان، و خشوران، رسولان، انبیاء و مظاهر ظهور الهی) در آن برخاسته یا به خاک شده‌اند.

گرچه هرگز به آسانی نمی‌توان صحّت و سُقم انتساب این مقابر به آن بزرگان را تأیید کرد اما شاید برای برخی جالب باشد که بدانند آرامگاه کدام یک از آنها در ایران کنونی ما قرار دارد. بنابراین و نهایتاً وضع این آرامگاه‌های اصیل یا جعلی، از چند حال خارج نیست:

۱. گور درون آرامگاه، براستی متعلق به پیام‌آور موردنظر است.
۲. شخصی که در آرامگاه خفته، عارف یا رهرویی بزرگ و شهیری بوده که به دلیل خوش‌نامی و شباهت اسمی با یک پیامبر، آرامگاهش به اشتباه با آرامگاه آن پیامبر، یکی دانسته شده است.
۳. آن بنا و آرامگاه، به کلی برای منظور دیگری ساخته شده؛ از جمله:
  - حفظ یک نقطه‌ی مقدّس کهن مِهری، ناهیدی، زروانی یا مزدایی
  - از یاد نرفتن مکانی کهن که در دوران اسلامی مغضوب حاکمان بود.
  - آرامگاه شاهان، شاهزادگان، پیران، بی‌بی‌ها و درویشان کهن
  - مدفن یک گنج قدیمی
  - جعل یک آرامگاه برای اغراض سیاسی، مذهبی یا تجاری

اینکه این آرامگاه‌ها، اصالت دارند یا نه، در حوصله و توان این مقال کوتاه نمی‌گنجد و نیاز به پژوهش‌های کامل و چندوجهی میدانی در علوم گوناگونی نظیر تاریخ محض، باستان‌شناسی، تاریخ ادیان، فرهنگ عامه و... دارد. گرچه شاید بتوان براساس برخی شواهد کلی، دریافت که آن پیامبر منطقی‌تر است در آن محل درگذشته باشد یا خیر.

در سلسله مقالاتی که در ادامه خواهد آمد به بررسی شواهد و منابعی خواهیم پرداخت که شمایی کلی از فهرست پیامبران ایرانی و جهانی (آریایی و سامی و...) به ما خواهد داد که تا حدّ زیادی با اسناد تاریخی موجود مطابق باشد.

\*\*\*

## پیامبرانِ سامی / ابراهیمی:

یکی از مناطقی که از دیرباز، موطن یا محل گذر انبیاء کهن الهی بوده، آذربایجان (آتورپاتگان / محل نگهداری آتش مقدّس ایزدی) است. بطور مثال برخی منابع موثّق، زادگاه **آشو زرتشت** پیامبر مزداپرستان را آذربایجان شناخته، **اصحابِ رَس** در قرآن را قوم و پیامبرانی در حوزه‌ی رود آرس معرفی کرده و محل تیرباران **سیدعلی محمد باب** پیامبر بابیان را تبریز دانسته‌اند. فهرستی از پیامبرانی که در آذربایجان از دنیا رفته یا به دلایلی، آرامگاهی در آن دیار به آنها منسوب شده، به قرار زیر است:

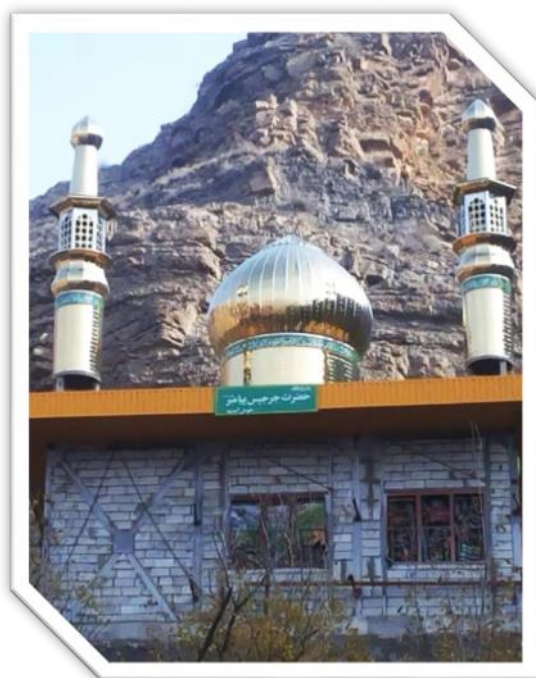


پیکره‌ی «چرجیس/ سنت جرج»  
اثر دوناتِلّو (۱۴۱۷ - فلورانس)

## یک) حضرت جرجیس یا گئورگیوس:

آرامگاه حضرت جرجیس در شهرستان جُلغا، روستای دَرّه‌شام است گرچه برخی آرامگاه این پیامبر را در موصلِ عراق یا شوشتر خوزستان و... دانسته‌اند.

اما با توجه به کلیساهای کهنی که در منطقه آذربایجان و ارمنستان وجود دارد و کشور گرجستان که نام از همین پیامبر گرفته، منطقاً بعید نیست که آرامگاه شخصی چون ایشان، در جایی باشد که از قدیمی‌ترین پناهگاه‌های مسیحیت در جهان است. لازم به ذکر است که مسیحیت برای نخستین بار در جهان، در ارمنستان و ایران اشکانی بود که به کوشش یک رهبر روحانی به نام گریگور مقدّس (که با حضرت جرجیس متفاوت است) رسمیت یافت و رسماً کلیسای ارمنستان تأسیس شد؛ یعنی چیزی حدود دو دهه پیش از آنکه امپراتور کنستانتین یکم، مسیحیت را در روم آزاد کند و به رسمیت بشناسد.



آرامگاه منسوب به حضرت جرجیس (ع) در جُلغا - ایران

حکیم عطار نیشابوری در کتاب خویش «الهی‌نامه» (بخش بیستم - حکایت جرجیس ع) درباره حضرت جرجیس و مشقات ایشان، چنین آورده است:

«سه بار آن کافر، اندر آتش و خون

بگردانید بر جرجیس، گردون

تنش شد، ذره‌ذره چون غباری

ز خاکِ او برآمد لاله‌زاری

میان این همه رنج و عذابش

رسید از هاتفِ عزّت خطابش...

بدو گفتند: ای جرجیس و ای پاک!

ترا هیچ آرزویی هست در خاک؟

مرا گفت: آرزو آن ست اکنون

که یک‌بارِ دیگر، در زیر گردون

کنندم پاره پاره در عذابی

که تا آید دگر بارم، خطابی!»

بنابراین حضرت جرجیس از آن دسته پیام‌آورانی بوده که با زجر بی‌نهایت، به فرمان حاکم زمان (حاکمی رومی احتمالاً به نام رازانه یا چیزی مشابه آن) و همدستی علمای پُرادّعی عصرش (احتمالاً از طبقه روحانی ادیان بومی)، جامِ شهادت را نوشیده است.

آورده‌اند که گئورگیوس (جرجیس)، پیامبری پس از عیسی (ع) و در دورِ مسیحیت بوده که هم به دلیری و هم استقامت، شهرت داشته است. او را از اهالی شام دانسته و به نام‌های جُرج / سنت جورج / گئورگ و... نیز از او یاد کرده‌اند.

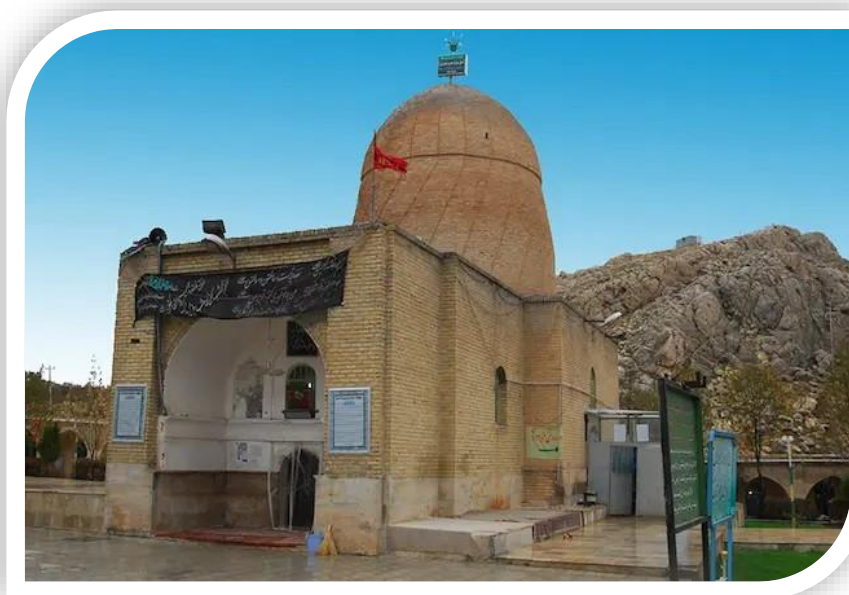
نام یا نقش سلحشورانه‌ی جئورجیوس / جرجیس، بر نشان‌های ملی کشور گرجستان، انگلیس و روسیه قرار دارد، زیرا بنابر روایت‌های مسیحی، در

نتیجه‌ی بردباری و پایداری وی، مسیحیت گسترش بسیار یافت و حتی کسانی نظیر ملکه الکساندرا به او ایمان آوردند و همگی مانند جرجیس، آزار دیدند و کشته شدند.

همین روایت در منابع اسلامی (نظیر تاریخ طبری، ابن اسحاق و...) بدین صورت آمده است که جرجیس پسر آناک بن خسرو از شاهزادگان آشکانی ساکن فلسطین (در سده‌های صدر مسیحی) بود که در ۱۶ سالگی برای دین خداوند قیام کرد.

پادشاه رومی شام که مسیحیان را شکنجه می‌کرد و می‌کشت، توسط جرجیس به دیانت نوین حضرت مسیح دعوت شد. اما او جرجیس را به زندان انداخت و زیر شکنجه گرفت. جرج مقدس، هفت سال تمام، این مصائب را تحمل کرد و زنده ماند تا سرانجام در راه حقیقت، از ستم ستمگران آسوده شد و به ملکوت الهی پیوست.

بسیاری به واسطه‌ی ایشان به عیسی مسیح (ع) ایمان آوردند، از جمله ملکه اسکندره که او نیز مانند بسیاری دیگر از مسیحیان آغازین شهید شد.



آرامگاه منسوب به جرجیس پیامبر در شوشتر - ایران

در تفلیس پایتخت کشور گرجستان نیز که اساساً نام خود را از گئورگی یا حضرت جرجیس گرفته است، مردم در حرکتی نمادین به سال ۱۹۹۱م (پس از فروپاشی شوروی) مجسمه‌ی لنین را پایین کشیدند و مجسمه گئورگی مقدّس را برافراشتند که تاکنون نیز در مرکز میدان آزادی آن شهر برجاست.

ادامه خواهد داشت...



پیکره‌ی حضرت جرجیسِ اهریمن [اژدها] گُش سوار بر اسب؛  
در مرکز میدان آزادی تفلیس - گرجستان



پیکره چرجیس در تفلیس؛ از نمای نزدیک‌تر